

محل اداره : دهیاری ده وسط آباد
 عجلتاً هفته‌ای یک‌نمره طبع می‌شود
 قیمت (پس از رفع تحریم): رایگان
 محل توزیع : سر خرمن
 عجلتاً ۳۰۰ تومان بانضمام روزنامه جوان

کسب‌وکار

روزنامه‌ی اخبار ولایات محروسه وسط‌آباد
 نمره بیست و نهم / بهمن ماه ۱۳۹۵

دبیر صفحه: مسعود دانش‌منش

بزرگ‌ترین تولیدکننده کنتور در کشور تعطیل شد
می‌گم چرا کنتور نمی‌اندازد!

فائزه هاشمی: مردان همه متحجر هستند
البته به جز داداش مهدیم!

بین کشورهای مسلمانی که ترامپ ورود اتباعشون رو منع کرد،
 خبری از «عربستان» نیست!
یعنی ترامپ هم اینا رو مسلمون نمی‌دونه!

وزیر بهداشت: ما همسایه سوئیس نیستیم، بلکه با کشورهایی چون افغانستان
 همسایه‌ایم. باید با توجه به داشته‌هایمان از دولت‌مدان انتظار داشته باشیم.
پروژه بعدی: تقصیر همسایه است!

«پزشکیان: کاندیدای ریاست‌جمهوری می‌شوم.
 بالاخره معنی FATF را فهمیدم!

«صالحی: کجای فعالیت هسته‌ای مان
 متوقف شده است؟
 یعنی اونجا که بتن ریختید هنوز کار می‌کنه؟!»

«ترامپ: می‌تونیم امنیت را به منطقه
 خاورمیانه بازگردانیم.
 - اما نمی‌خواهیم!

آیاری جلوگیری

یک اسکیمو از این پوتین ساق بلندها که بعضی خانم‌ها می‌پوشند
 برای زنش کادو می‌بره، زن می‌گه دیگه اینقدر هم برف نیومده که مرد!

تراکتورسازی هم مثل استقلال از پنجره نقل و انتقالات محروم شد.
 خب خدا رو شکر کلکسیون محرومیت‌های فوتبالی‌مون کامل شد! الان
 دیگه محرومیت توی فیفا نیست که ما حداقل یک بار تجربه نکرده باشیم!

عادل الجبیری: از جامعه جهانی می‌خواهیم جلوی تهران را بگیرد تا
 برای انصارالله سلاح نفرستد!
 - جامعه جهانی لطفاً جلوی امریکا و انگلیس را هم بگیرد که اینقدر برای
 ما سلاح نفرستند! والا دیگه پولمون ته کشیده!! این دو سه تا مدرسه و
 بیمارستان که توی یمن مونده رو با همین‌هایی که داریم می‌زنیم!

فرمانده انتظامی غرب‌استان تهران از انهدام یک پاتک جعل گذرنامه خبر داد.
 - تقصیر همینا بود از بس پاسپورت جعل کردند، ارزش پاسپورت کم شد!

در حاشیه انتشار عکس مهدی هاشمی در حال خرید لباس!
 - چیه؟ نکنه انتظار دارید مثل مردهای متحجر برگرده بره زندان؟!

اینکه یک نفر ۱۲ هزار میلیارد صندوق ذخیره فرهنگیان رو به اتفاق همسران اول
 و دوم و سوم و فک و قامیش بالا کشیده اونقدرها مهم نیست- مسئله‌ان اینه
 که چرا در حق همسر چهارم اجحاف شده؟ تبعیض تا کجا آخه؟

سختگوی دولت در نشست هفتگی خود از تشکیل کمیته‌ای برای
 رسیدگی به سیل‌زدگان استان‌های جنوب شرق کشور و گرفتار شدن
 ۲ هزار نفر در جاده‌ها در دمای زیر ۱۹ درجه خبر نداد!

مصالح

گزینه اضافی

ترامپ در واکنش به مطلب انتقادی نیویورک تایمز گفت: یک آدم
 مستعد و اهل نظر نباید این نیویورک‌تایمز بدبخت فلک‌زده دروغ‌پرداز
 را بخرد یا درست اداره‌اش کند یا محترمانه درش را تخته کند!
 ترامپ هم فهمیده مشکلش کجاست: آخه اگر آدم مستعد و اهل نظر
 در آنجا پیدا می‌شد که او الان رئیس نبود!

در حالی که حامیان برجام می‌گفتند سایه جنگ را از سر کشور برداشتیم،
 ترامپ آمد وسط و گفت: «اهم! ببخشید، همه گزینه‌ها از جمله گزینه
 نظامی هنوز روی میز است.» حالا این هیچی، من نگارم با این وضع
 چند تا گزینه دیگه به روی میز اضافه شده باشد!!

پیشنهادی در راستای تجمیع
 بیمه‌های سلامت در وزارت بهداشت

طرح تجمیع پزشک و بیمار!

این دیگه آخر تحول است!

حامیان طرح تحول با دیدن این پیشنهاد
 خودشان هم متحول می‌شوند!

قبل از هر چیز باید به جناب دکتر ال‌دکترات آقای قاضی‌زاده هاشمی،
 وزیر محترم و تحول‌دوست بهداشت تبریک عرض کنیم به خاطر
 دریافت مدال افتخار و نشان لیاقت که به پاس موفقیت‌ها و بقیه
 کارهایشان به ایشان تعلق گرفت. همچنین این موفقیت را به معاونت
 بهداشتی وزارتخانه و معاونت‌های غیربهداشتی (سایر معاونت‌ها!)
 نیز تبریک می‌گوییم.

و اما بعد؛ در نتیجه مصوبه‌ای که به موجب آن کل بیمه‌های سلامت
 کشور، در دست و بی چک و چانه به وزارت بهداشت منتقل شد، تحول
 اساسی به وقوع پیوست. اینجا بود که فهمیدیم این طرح تحول نظام
 سلامت که درباره‌اش داد سخن می‌دادند، اصلش همین بوده و الحق
 که تحول شگرفی بود! بر خلاف عده‌ای بی‌سواد سیاه‌نما* که می‌گفتند
 تحول در نظام سلامت باید در جامعه پزشکی و بخش خدمات رسانی و
 بیمارستانی ایجاد شود و عدالت حاکم شود**، وزارت فخیمه بهداشت
 و درمان و آموزش پزشکی (و سایر متعلقات) دست به تحول‌رسانی
 بزرگی در نظام سلامت زدند که اکنون شاهد آن هستیم. یعنی اگر خود
 میرزا متحول‌خان تحول‌تچی*** هم از گور بیرون می‌آمد و می‌خواست
 تحول ایجاد کند، هرگز نمی‌توانست در این سطح موفق شود!
 الان با تجمیع بیمه‌های سلامت، مسئولین عزیز می‌توانند خودشان
 بپرند و خودشان بدوزند و خودشان تماشا کنند و حظ ببرند! یعنی
 خدمات‌رسان و خدمات‌گیر و ناظر، یکی شده است. این یعنی تجمیع
 تحولات!

در این میان ما هم که دیدیم بازار تحول و تجمیع داغ است، تصمیم
 گرفتیم یک طرح تحول محور پیشنهاد دهیم. بهترین چیزی که به
 ذهنمان رسید طرح تجمیع پزشک و بیمار بود!

در این طرح هر پزشک را با ترتیبات خاصی به یک یا چند بیمار
 می‌چسبانیم که به محض احساس کوچکترین ناراحتی یا عارضه،
 پزشک دلسوز اقدام به درمان بیمار نماید.



در مراحل بعدی این طرح می‌توانیم نماینده بیمه را هم به این ترکیب
 اضافه کنیم که فی‌المجلس امور بیمه‌ای را انجام دهد و در ادامه، قرار
 است یک دستگاه عابر بانک را هم با بقیه عوامل تجمیع کنیم که بیمار
 عزیز راحت بتواند هزینه‌های سهم خودش را پرداخت کند و مجبور
 نشود راه دور برود. رفاه بیماران در این طرح خیلی مهم است. در مرحله
 پایانی طرح، یک عدد دوربین مدار بسته هم به مخلوط اضافه می‌کنیم
 که اعضای طرح بتوانند هر وقت خواستند با هم سلفی بگیرند و ضمناً
 کار نظارت هم با همان دوربین راه بیفتد.

اگر این طرح اجرا شود بنده قول می‌دهم سال آینده اواخر اردیبهشت
 یک تحول خیره‌کننده و اساسی (یا شاید اثاثی!) در کشور رخ دهد.
 البته همه‌اش این نیست، ما طرح‌های دیگری هم داریم. مثلاً ایده
 بعدی‌مان طرح تجمیع وزارت رفاه و سازمان جنگل‌ها و مراتع است که
 به این وزارتخانه کمک می‌کند بتواند انواع حیوانات اهلی را به سهولت
 بچراند و خوش باشد. در شماره بعد به این طرح خواهیم پرداخت.

توضیحات:

* سیاه‌نما به کسانی گفته می‌شود که در واقع سیاه نیستند اما خودشان را به سیاهی
 می‌زنند یا می‌روند قاتل سیاه‌ها؛ مثل تماشاگر نما. فلذا به عزیزانی که حقیقتاً سیاه
 هستند و با حسن نیت سیاه‌کاری می‌کنند، خدای ناکرده توهین نشود.
 ** خخخ... چه حرف‌ها!

*** پدر علم تحولات ایران و از متحول‌ترین انسان‌های تاریخ معاصر (منبع: ویکی‌پدیا)

خوبتان شد؟

آنقدر مرگ بر شاه گفتید تا مُرد!

امروز، فردای ۲۲ بهمن است! به همین مناسبت بخشی از فضائل (!) خاندان
 سلطنتی را به طور مستند برای شما نقل می‌کنیم تا تأثیرات تبلیغات پررحم
 ایام دهه فجر از سرتان بپرد و بدانید که شاهنشاهی ایران کم‌الکی نبود!

○ سختکوشی

در حالی که عموم مردم ایران برای ورزش کردن سراغ ورزش‌های راحت و
 ساده‌ای مثل بالاباندی، گرگم به هوا و خریدیس می‌رفتند که هیچ خرجی
 نداشت یا حداکثر هفت سنگ یا گل کوچک بازی می‌کردند که خرچشان یک
 توپ و چند تکه سنگ بود، اعلیحضرت ورزش‌های سخت و نفسگیری مثل
 غواصی و اسکی روی آب را انتخاب کرده بودند تا سختکوشی و دل به دریا زدن
 را به ملت خود بیاموزند.

○ غیرت همایونی

حالا ما هر حرفی بزنیم می‌گذارد به پای مادر شوهر بازی‌مان و می‌گویند
 تاجی چون چشم دیدن عروسش را نداشت پشت سرش صفحه گذاشت!
 ولی از شما چه پنهان «فوزیه بان آن که در یک خانواده سلطنتی بزرگ شده بود،
 قدری امل بود و حاضر نمی‌شد با میهمانان محمد رضا بقصد». هر بار که این
 دختر هاتنی این کار را می‌کرد پسریم پیش میهمانانش سنگ روی یخ می‌شد
 و حسابی به غیرت همایونی‌اش بر می‌خورد!

عبارت داخل گیومه عیناً از تاج الملوک همسر رضاشاه است

○ مرخصی‌های کوتاه دو ماهه!

شاه و درباریان همه ساله از حدود ۲۰ ژانویه برای اسکی و سایر تفریحات به
 سوئیس می‌آمدند و بعداً در ماه مارس باز می‌گشتند تا تعطیلات بهاری خود را
 در ویلاهای خزر بگذرانند. در بین پیست‌های مختلف اسکی سوئیس،
 دربار ایران معمولاً «سن موریتس» را انتخاب می‌کرد که بسیار لوکس و
 پر هزینه بود. از این رو همه ساله قبل از آغاز سفر شاه دو طبقه کامل از گراند هتل
 «دولدر» برای مدت دو ماه اجاره می‌شد تا مورد استفاده شاه و همراهانش
 در زوریخ قرار گیرد.

مینیو صمیمی/ پشت پرده تخت طاووس

○ پشت ناخن نا قابل!

به دنبال شایعاتی که دشمنان همیشگی خاندان پرجلال و جبروت پهلوی مبنی
 بر اعتیاد شاه باپا جانم، رضا خان کبیر به تریاک، بر سر زبان‌ها انداخته بودند
 شخصاً صحت و سقم آن را از ملکه مادر جويا شدم که ایشان فرمودند: «رضا
 مطابق عادت معمول صبح‌ها که از خواب بلند می‌شد، به اندازه یک پشت
 ناخن تریاک استعمال می‌کرد و ایضاً شب‌ها هم.»

خب با یک پشت ناخن آدم معتاد می‌شود؟ نه شما بگویید یک پشت ناخن
 ارزش این حرف‌ها را دارد؟! الان طرف را با یک گونی تریاک می‌گیرند می‌گویند
 تفریحی می‌کشیم، آن وقت به‌خاطر یک پشت ناخن برای باباشاهم حرف در
 می‌آورند نامردها!

* اشرف پهلوی

○ دم‌وکراسی ملوکانه!

سفیر بریتانیا بعد از ملاقاتی با شاه گزارش داده بود: «شاه روشن ساخت که
 وضع فعلی احزاب بی‌بوهه است و او قصد ندارد بگذارد هوای تازه‌ای از واقعیت
 به درون آن راه یابد. چیزی که او می‌خواهد، دو حزبی است که در حال اختلاف
 ساختگی بوده، هر دو وابسته به خودش باشند، هر دو از او دستور بگیرند و
 اصول و سیاست روشنی از خود نداشته باشند.»

خلاصه کتاب زمین سست، همشهری ماه

○ مجبوری در این انتخابات آزاد پیروز شوی!

در تیر ماه ۱۳۳۹ در ژنو یک تلگراف فوری به دستم رسید، اقبال ورقه بزرگی را
 روی میز پیشم پهن کرد و گفت: من و علم دیشب حضور اعلیحضرت شرفیاب
 شدیم و برای هر حوزه، کاندیداهای خودمان را به نظر شاه رساندیم تا
 اعلیحضرت هر کس را مایل باشند، انتخاب فرمایند. به طوری که می‌بینی، تورا
 برای حوزه کاشمر انتخاب کرده‌اند، پس چاره‌ای نداری و باید قبول کنی.

ابوالقاسم نغلی/ فصلنامه تاریخ معاصر ایران

○ دست و دلبازی ملوکانه!

«پیش از آن [در ابتدای سلطنت] کسی اجازه نداشت حتی جواهراتی را که
 از خان‌های کشته شده به او تعلق گرفته بود، گردن اوین خانواده اش کند.
 تيموتراش وزير دربار فورا تدبیري به کار برد و سینه ریز زمرد ۱۸۲ قیاطری را
 که از خزانه به در آورده بود، جزو هدایای داده شده به پادشاه افغانستان به
 حساب آورد و در دفتر نوشت، تا تاج الملوک نگران بازگرداندن آن به‌خزانه
 نشود. شاه پس از آگاهی از این تدبیر لیخندی زد و حرکت تیمور تاش را
 تأیید کرد.»

از سید ضیاء، تا یختیار/ مسعود بهنود

○ رمز موفقیت اعلیحضرت!

شاه در حال صحبت با جمعی بود و من در پشت سر شاه، به مکالمات شاه با
 آنها گوش می‌دادم. شاه از آنها پرسید: اگر گفتید من برای چه موفق شدم؟ هر
 کسی از روی تملق چیزی می‌گفت و شاه همه را رد می‌کرد. سرانجام گفت:
 خودم می‌گویم، من به آن جهت موفق شدم که خودم تصمیم گرفتم و اجرا کردم
 و با کسی مشورت نکردم.

حسین خطیبی نائب رئیس مجلس شورای ملی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران

○ ولیعهد و رعایت مساوات!

احمد علی مسعود انصاری دوست صمیمی رضا پهلوی از دوران کودکی: به
 خاطر دارم به هنگام اقامت در مراکش روزی چندین زن زینبا را یک جا آورده
 بودند که او هر کدام را می‌خواهد انتخاب کند. می‌دانستم رضا به مسئله شوهر
 داشتن این زنان اهمیت نمی‌دهد و اعتنايي هم به حکم اسلام در این مسئله
 نمی‌کند لذا خودم تصمیم گرفتم که اگر کسی از آنها شوهردار است مرخصش
 کنم. به دیدار آن جمع رفتم و با کمال تعجب مطلع شدم که حتی یک زن
 بی‌شوهر در میانشان نیست. همه را به خانه‌هایشان فرستادم و رضا را از کار
 مورد علاقه اش محروم کردم!

من و خاندان پهلوی/ تنظیم محمد برقی و حسین سرافروز

○ پادشاه حاضر جوابی اشرف

سال ۱۳۴۸ بود. در فرودگاه سوئیس چمدان‌هایم را گشتم و با مشاهده یک
 چمدان که حاوی تریاک بود مرا بازداشت کردند. در اتاق بازرسی مأمور پرسید:
 قاچاقچی هستی؟ گذرنامه سیاسی‌ام را به او نشان دادم و گفتم: «مصرف
 شخصیمه داداش!» بلافاصله ضمن عذرخواهی آزادم کردند. در پایان همان
 سال محمد رضا به پاس این حاضر جوابی و توانایی در دفاع از حق و حقوقم،
 مرا به «ریاست کمیسیون حقوق بشر ایران» منصوب کرد!

ملاحظه فرمودید؟ این‌ها شمه‌ای از کمالات خاندان فخیمه سلطنت بود.
 ولی مردم که در جریان بودند آنقدر «مرگ بر شاه» «مرگ بر شاه» گفتند تا
 آخر سر شاه مرد! حیف!

محمود محمدتبریزی

چشم‌انداز

